

Original Article

A Comparative Study of the Ways of Proving Anan in Islamic Jurisprudence, Iranian Law, and Iraqi Law

Mahdi Rahmani*¹ 

¹ Assistant Professor, Department of Private Law, Kharazmi University, Tehran. Iran.



[20.1001.1.24237566.1402.7.2.4.0](https://doi.org/10.22080/lps.2023.24358.1474)



[10.22080/lps.2023.24358.1474](https://doi.org/10.22080/lps.2023.24358.1474)

Received:

March 11, 2023

Accepted:

June 20, 2023

Available online:

August 18, 2023

Keywords:

Anan, Islamic jurisprudence, Witness testimony, Forensic medical certificate, Methods of proof.

Abstract

Anan or sexual impotence in men is a hidden complication and disease, which cannot be proven by relying on some methods of proof of litigation that are proposed in Islamic jurisprudence and laws. Some Imamiyyah and Sunni jurists believe that since the illness of Anan can only be diagnosed by the person himself, evidence such as a forensic medical certificate that diagnoses the said disease through detailed tests; However, in contrast to these jurists, another group of Islamic jurists considers the testimony of witnesses to prove the Anan and believe that if the witnesses' testimony is through experts and evidence, which leads to definitive knowledge of a person's sexual impotence, it can be a document of the judge's decision. In Iranian Law, due to the silence of the law regarding the ways of proving the disease, the procedure of the courts is that in order to diagnose the mentioned disease, they refer the person to the forensic medicine and make the expert's opinion and the forensic medical certificate the basis of the verdict. However, it is possible to prove the objectivity of a person according to other evidence such as confession and testimony that are used to prove legal claims. In Iraqi law, the opinion of the Forensic Medicine Commission is considered the only way to prove the sexual impotence of the couple and his suffering from ennin's disease. In Iraqi law, the opinion of the Forensic Medicine Commission is considered the only way to prove the sexual impotence of the couple and his suffering from Anan's disease.

*Corresponding Author: Mahdi Rahmani

Address: Assistant Professor, Department of Private Law, Kharazmi University, Tehran. Iran. Email: Rahmani_mahdi@khu.ac.ir



1. Introduction:

Men's impotence and sexual disorders due to the lack or decrease of sexual desire or the inability to have sex is one of the important problems in couples' relationships, which has received attention in the last few decades due to people's awareness of their sexuality. There have been many researches with different viewpoints in this field. Impotence or erectile dysfunction in men in Islamic jurisprudence and law is known as "Anan", which jurists have defined as a disease and defect that gives a woman the right to annul the marriage contract.

Today, due to the prevalence of this issue, challenges have been raised regarding this issue. Among these challenges are the ways to prove this disease, which, due to the silence of Iran's laws and the differences in the ways of proving it in the sources of Islamic jurisprudence and the laws of some countries, in many cases leads to the violation of the wife's and sometimes the husband's rights.

2. Methods:

In the current study, fundamental and descriptive-analytical research methods have been used.

3. Research Findings:

Since Anan is one of the hidden diseases and defects, it has special rulings, and to prove it, it is not possible to rely on the

pieces of evidence that have been put forward in Islamic jurisprudence and Iran's and Iraq's laws.

4. Conclusion:

Some Imamiyyah jurists believe that the reasons for proving a lawsuit are generally not applicable in Anan, and evidence cannot be established to prove it. On the other hand, another group of Imamiyyah and Sunni jurists believe that if a person finds out about the sexual impotence of a couple in a way that causes knowledge and discontinuance, it is permissible to hear her/his testimony to prove the Anan. In Iran's laws, in particular, evidence has not been stated to prove the defect of Anan, but it is possible to prove this disease based on some evidence such as testimony and confession that are used to prove claims. In addition, it seems that it is possible to add other ways, such as a forensic medical certificate. In Iraqi law, the only way to prove a couple's sexual impotence is the opinion of the Forensic Medicine Commission.

Funding: There is no funding support.

Conflict of Interest: The author declared no conflict of interest.

Acknowledgments: The author appreciates all the scientific consultants in this paper.

علمی پژوهشی

مطالعه تطبیقی طرق اثبات عنن در فقه اسلامی، قانون ایران و قانون عراق

مهدی رحمانی* 

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.



[20.1001.1.24237566.1402.7.2.4.0](https://doi.org/10.22080/lps.2023.24358.1474)



[10.22080/lps.2023.24358.1474](https://doi.org/10.22080/lps.2023.24358.1474)

چکیده

عنن یا ناتوانی جنسی در مردان، عارضه و بیماری مخفی است که برای اثبات آن، امکان تمسک به برخی از طرق اثبات دعوا که در فقه اسلامی و قوانین موضوعه مطرح شده است، وجود ندارد. برخی از فقهای امامیه و اهل سنت، با این دلیل که بیماری عنن، تنها از سوی خود شخص، قابل تشخیص می‌باشد، قائل به مسموع نبودن دلایلی نظیر شهادت برای اثبات عنن، بوده و حتی راه‌هایی نظیر گواهی پزشکی قانونی که از طریق آزمایش‌های دقیق به تشخیص بیماری مذکور می‌پردازد، را قابل پذیرش نمی‌دانند؛ اما در مقابل گروه دیگری از فقهای اسلامی، شهادت شهود و اقامه بی‌ینه در اثبات عنن را مسموع دانسته و معتقدند که چنانچه شهادت شهود از طریق اهل خبره و قرائن و اماراتی باشد که منجر به علم قطعی به ناتوانی جنسی شخص گردد، می‌تواند مستند رأی قاضی برای اثبات عنن قرار گیرد. در حقوق ایران با توجه به مسکوت بودن قانون در خصوص راه‌های اثبات عنن، رویه دادگاه‌ها بدین نحو است که جهت تشخیص بیماری مذکور، شخص را به پزشکی قانونی ارجاع داده و نظر کارشناس و گواهی پزشکی قانونی را مبنای حکم قرار می‌دهند، هر چند می‌توان مطابق ادله دیگری نظیر اقرار و شهادت که در اثبات دعاوی حقوقی کاربرد دارند به اثبات عنین بودن شخص پرداخت. در قانون عراق نیز تنها راه اثبات ناتوانی جنسی زوج و ابتلای او به بیماری عنن، نظر کمیسیون پزشکی قانونی در نظر گرفته شده است.

تاریخ دریافت:

۲۰ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش:

۳۰ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ انتشار:

۱ مهر ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها:

عنن فقه اسلامی شهادت شهود
گواهی پزشکی قانونی طرق
اثبات

* نویسنده مسئول: مهدی رحمانی

آدرس: استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران. ایمیل: Rahmani_mahdi@khu.ac.ir ایران.



۱ مقدمه

یکی از عواملی که نقش بسیار مهم و اساسی در موفقیت و پایداری کانون خانواده دارد، وجود رابطه‌ی جنسی مطلوب میان زوجین می‌باشد، به‌گونه‌ای که بتواند موجب تأمین خوشنودی و رضایت آنان گردد. به‌بیان‌دیگر روابط جنسی سالم از جمله عوامل مؤثر در کارکرد خانوادگی زوجین است و لازمه یک زندگی مشترک سالم و رضایت‌بخش محسوب می‌شود.

تحقیقاتی که با هدف بررسی نقش میل و رابطه‌ی جنسی در روابط زناشویی صورت گرفته، حاکی از آن است که رابطه‌ی جنسی مطلوب، موجب افزایش دلبستگی و پایداری زندگی زناشویی می‌شود؛ به‌طوری‌که اگر جنبه‌های غیرجنسی نتواند منجر به حفظ رابطه گردد، تأثیر فعالیت جنسی بر پایداری رابطه از طریق لذت بردن از آن و بهبود روابط زناشویی آشکار خواهد شد. (ملکاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۷)

از سوی دیگر مشاهده می‌شود که مشکلات جنسی در روابط زناشویی، به پایین آمدن کیفیت روابط جنسی و در کل، روابط زناشویی منجر می‌گردد و وجود اختلالاتی در زمینه عملکرد جنسی نظیر ناتوانی جنسی، کمبود یا فقدان میل جنسی و غیره، در بسیاری از مواقع باعث بروز ناراحتی‌های جسمانی، افسردگی و ناخشنودی از زندگی زناشویی و عدم تعهد می‌شود و حتی زندگی زناشویی را تا مرز اختلافات شدید خانوادگی و طلاق پیش می‌برد. اختلال عملکرد جنسی می‌تواند دارای علل زیستی و روانی یا ترکیبی از آن دو باشد که از عوامل ارگانیکی، بیولوژیک، روانی و اجتماعی نشأت می‌گیرد. شایان ذکر است که صرف‌نظر از علت ایجادکننده، بروز آن در هر شرایط سنی، فرهنگی و وضعیت اجتماعی- اقتصادی امکان‌پذیر است. (آرادمهر و صنوبری، ۱۳۹۸: ۸۱)

ناتوانی جنسی مردان و اختلال در برقراری رابطه به دلیل فقدان یا کاهش میل جنسی یا عجز از

برقراری رابطه جنسی، یکی از مشکلات مهم در روابط زوجین می‌باشد که در چند دهه‌ی اخیر به دلیل آگاهی افراد از حقوق جنسی خود، مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی با رویکردهای متفاوت در این زمینه صورت گرفته است. ناتوانی جنسی یا اختلال در نعوظ در مردان در فقه و حقوق اسلامی، تحت عنوان «عنن» شناخته شده است که فقها و حقوقدانان به آن به عنوان یک بیماری و عیبی که به زن این حق را می‌دهد که عقد نکاح را فسخ نماید، تصریح نموده‌اند. امروزه به دلیل شیوع این مسأله، چالش‌هایی درخصوص آن مطرح شده است؛ از جمله‌ی این چالش‌ها راه‌های اثبات این بیماری می‌باشد که به دلیل مسکوت بودن قوانین ایران و نیز اختلافی بودن طرق اثبات آن در منابع فقه اسلامی و قوانین برخی کشورها در بسیاری از موارد منجر به تضییع حقوق زوج و گاهی زوج می‌گردد.

از آنجایی که بررسی تطبیقی یک موضوع می‌تواند نقاط قوت و ضعف قوانین کشورهای مورد مطالعه را روشن سازد و در نتیجه منجر به اصلاح قوانین آن کشورها گردد، انجام تحقیق و پژوهشی در راستای مسأله‌ی مذکور دارای ضرورت و اهمیت فراوان می‌باشد. در پژوهش فرارو که به‌صورت تطبیقی صورت گرفته، سعی شده است ضمن بررسی و تبیین مفهوم عنن و برخی از احکام آن، به واکاوی طرق اثبات عنن در فقه اسلامی، حقوق ایران و حقوق عراق پرداخته شود و از نتایج حاصل از آن در اصلاح قوانین، بهره برده شود.

۲ مفهوم‌شناسی

در لسان اهل لغت «عنن» مصدر از «عَنَّنَ، یَعْنُنُ، (یَعْنُنُ) عَنَّنًا» به معنای در برابر شخصی نمایان شدن و اعتراض کردن» و نیز در معنای «نفرین کردن»، «محبوس» و «ممنوع» آمده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۹۰)

علاوه بر معانی مذکور، گروهی از اهل لغت در تعریف عنن بیان داشته‌اند: عنن عارضه‌ای است که

طولانی مدت به اندازه‌ی حشفه نیست. فردی که به چنین بیماری مبتلا می‌باشد «عَنین» گفته می‌شود. محقق داماد، بی‌تا: ۳۴۴؛ طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳: ۲۳۴) هر چند به نظر می‌رسد که تعریف ارائه‌شده برگرفته از تعاریفی است که فقهای امامیه در کتب خود ذکر کرده‌اند. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۶۲ و ۲۶۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵: ۱۱۶)

از دیدگاه برخی از فقهای اهل سنت، «عنن» عبارت از عدم توانایی جنسی و عنین، مردی است که توانایی وطی از قُبَل را ندارد، هر چند قادر بر آمیزش با زنان دیگر یا زن خود از دُبَر باشد. (شربینی، ۱۹۹۵، ج ۳: ۴۳۳؛ رملی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۰۹)

برخی از فقهای معاصر با قرار دادن معیار عرفی برای تشخیص عنن، در تعریف آن چنین آورده‌اند: «عنن، عارضه‌ای در مرد است که به واسطه آن قادر بر مباشرت با هیچ زنی نباشد و میزان در عدم قدرت و تشخیص آن نیز موکول به عرف است، بدین معنا که معیار آن نه عدم قدرت چند ساعت و چند روز است و نه اینکه میزان در آن، عدم قدرت تا آخر عُمر است، بلکه اگر مدتی (مثلاً چهار، پنج ماه و بیشتر) را عرف بگوید این مرد قادر بر مباشرت با زن نیست، همین کافی است و «عنن» صادق است.» (شبیبری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۰: ۶۴۴۴)

با بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی ارائه‌شده در خصوص «عنن»، به نظر می‌رسد که از دیدگاه اهل لغت، صرف عدم امکان مباشرت در صدق «عنن» کافی نمی‌باشد بلکه، معیار اصلی دیگری که برای تحقق آن لازم می‌باشد، عدم تمایل جنسی مرد است؛ در حالی که فقها توجهی به قید عدم تمایلات جنسی نداشته و تنها معیار جهت تحقق عنن را عدم توانایی مرد از مباشرت و نزدیکی با زنان دانسته‌اند.

بر این اساس ضرورت دارد که روشن شود که آیا مفهوم عرفی عنن همان معنای مدنظر اهل لغت می‌باشد یا معنایی که فقها در کتب فقهی بدان اشاره نموده‌اند؟ و این‌که آیا قید «عدم تمایلات

به واسطه آن، مرد قدرت بر نزدیکی نداشته، دارای میل جنسی نبوده و تمایلی به زنان ندارد. به مردی که دچار چنین بیماری شده و نیز مردی که اگر بخواهد با زن همبستر شود، مخالفت و اعتراض می‌کند، «عَنین» اطلاق می‌شود. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۹۱) از سوی دیگر در کتب لغت به زنی که تمایل جنسی به مردان ندارد، «عَنینه» گفته می‌شود. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۹۱؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶: ۲۸۳؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۴۳۳) با توجه به معانی اخیر، می‌توان گفت که علمای لغت برای عنن، دو قید ذکر کرده‌اند که عبارت است از: الف) ناتوانی مرد بر نزدیکی؛ ب) نداشتن شهوت و میل جنسی به زنان. به نظر می‌رسد که «واوی» که میان این دو قید آمده است «واو» تجمیع باشد نه «واو» تقسیم؛ بدان معنا که اطلاق عَنین بر مردی صحیح می‌باشد که هم ناتوان از آمیزش باشد و هم تمایلی به زنان نداشته باشد.

در اصطلاح حقوقی، قانون مدنی بدون این‌که تعریفی از «عنن» ارائه دهد، صرفاً در ماده‌ی ۱۱۲۲ آورده است: «عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: «... ۲- عنن به شرط این‌که ولو یکبار عمل زناشویی را انجام نداده باشد. ...»؛ اما دیوان عالی کشور در رأی قطعی دادنامه‌ی^۱ درخصوص تعریف و ملاک عنن ابراز داشته است: «عنن یعنی ناتوانی آمیزشی و اصطلاحاً بر مرضی که موجب ضعف در انتشار آلت به نحوی که عاجز بر ایلاج و دخول باشد اطلاق می‌گردد. لذا ملاک، عجز از ایلاج و دخول است که یکی از علت‌های آن ممکن است عدم انتشار آلت باشد و ممکن است آلت انتشار داشته باشد؛ ولی به علت مرض دیگر قادر به دخول نباشد.»

برخی از حقوقدانان در تعریف آن بیان داشته‌اند: «عَنن» نوعی ناتوانی جنسی در مردان و بیماری است که بر اثر آن آلت تناسلی مرد انتشار نمی‌یابد و قادر بر آمیزش با زنان به‌طور دائم یا

۱. به شماره‌ی ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۹۹۰۰۰۶۲ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۱.



با بررسی روایات فوق می‌توان گفت که عدم شهوت و تمایل جنسی در تعریف عنن ملحوظ نمی‌باشد و صرف عجز از نزدیکی با زنان به هر علتی که باشد، موجب ایجاد چنین حالتی می‌گردد هر چند فرد تمایل و گرایش جنسی نیز داشته باشد.^۱

۳ واکاوی حکم عنن

حکم عنن، جواز فسخ نکاح از جانب زوجه می‌باشد. در قانون مدنی نیز طبق بند ۲ ماده ۱۱۲۲ یکی از موجبات فسخ نکاح از جانب زن، عنن دانسته شده است.

برخی از فقها در خصوص حکمی که بر بیماری عنن مترتب می‌باشد، بیان می‌دارد: «پس در صورتی که مرد به‌طور مطلق از وطی زن عاجز باشد، زن می‌تواند نکاح را فسخ نماید؛ اما چنانچه از نزدیکی با آن زن عاجز؛ لیکن بر نزدیکی با غیر او توانایی داشته باشد، حق فسخی برای آن زن وجود نخواهد داشت. عنن چه قبل از عقد باشد یا بعد از آن پیدا شود به واسطه آن خيار فسخ ثابت می‌شود؛ اما به شرطی که نزدیکی و لو يك مرتبه، حتی در دبر از او واقع نشده باشد؛ ولی اگر با او نزدیکی کند و پس از آن عنن پیدا شود به گونه‌ای که به‌طور کلی قادر بر مقاربت نباشد، خيار فسخی برای زن وجود ندارد.» (خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۳)

وفق دیدگاه مذکور با توجه به اینکه زمان وقوع عنن، قبل از عقد یا بعد از عقد، قبل از دخول یا بعد از دخول باشد، صور گوناگونی قابل ترسیم می‌باشد که احکام آن نیز می‌تواند متفاوت باشد؛ لذا ضرورت دارد تمام آن صور مورد واکاوی قرار گیرد. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد آن است که این صور را بدون در نظر گرفتن قید علم و آگاهی زن به عیب مذکور مطرح شده‌اند؛ اما در برخی از شقوقی که در ذیل

جنسی» که در لغت برای مفهوم عنن در نظر گرفته شده است، قید تغلیبی است؛ بدان معنا که چون عنن غالباً همراه با عدم تمایلات جنسی است، در تعریف آن آورده شده یا قید احترازی است و در مفهوم عنن دخالت داشته و محدود به قید مذکور می‌باشد؟ پاسخ به پرسش‌های فوق به این دلیل دارای اهمیت می‌باشد که از آنجایی که احکام شرعی روی موضوعات عرفی بار می‌شود در بررسی احکام مربوط به عنن باید روشن گردد که آیا چنین قیدی معتبر می‌باشد یا خیر؟ به بیان دیگر آیا مثلاً در حکم خيار فسخ تنها عجز از مباشرت ملاک است و عدم تمایل جنسی تأثیری در حکم مذکور ندارد یا این که جهت حکم به فسخ نکاح بایستی هر دو قید به نحو مجموعی وجود داشته باشد؟

پاسخ به پرسش‌های مطرح شده مستلزم بررسی روایاتی است که در خصوص عنن آورده شده‌اند. در این خصوص دو دسته روایات وجود دارد: روایت دسته اول که به‌طور عام و کلی آورده شده‌اند و سخنی از عنن در آن‌ها نیست بلکه، به‌طور کلی ابتلای مرد به عارضه‌ای که توان آمیزش نداشته باشد؛ چه به دلیل عنن و چه به خاطر علل و عوامل دیگر را موجبی برای فسخ نکاح از جانب زن دانسته‌اند. به عنوان مثال در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که از حضرت درباره‌ی زنی که شوهرش به بیماری دچار شده که قادر بر جماع نیست، سؤال شد که آیا آن دو از یکدیگر جدا می‌شوند؟ حضرت فرمود: بله، اگر زن بخواهد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۲۲۹)

دسته دوم روایاتی هستند که به‌طور خاص به بحث عنن پرداخته‌اند. روایتی از امام صادق (ع) آمده است که در مورد عتین فرمودند: اگر ثابت شد که مرد عتین است و نمی‌تواند با زن نزدیکی کند میان آن دو جدایی افکنده می‌شود. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۵۰)

عنن، عجز مرد از نزدیکی با زن است؛ اگرچه به آن زن میل جنسی داشته باشد. (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۵۵)

۱. شاید تمسک به روایات مذکور یا مانند آن موجب شده است که برخی از فقهای اهل سنت در تعریف آورده‌اند که: «

الف) حدوث عنن بعد از عقد و بعد از یک بار نزدیکی با همسر خود

ب) حدوث عنن بعد از عقد و بعد از یک بار نزدیکی با زنی غیر از همسر خود

در این دو قسم، قول اشهر آن است که خیار وجود ندارد و زن حق بر هم زدن و فسخ نکاح را ندارد. به‌واقع این دسته از فقها به نزدیکی مرد با زوجه خویش اقتصار نکرده و بیان داشته‌اند، چنانچه با زنان دیگر نیز نزدیکی کرده باشد و بعد از آن عنن اتفاق بیفتد، موجب سلب حق خیار می‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۲۰۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۳۰) این گروه به دلایلی نظیر اجماع، اطلاق روایات، اصله‌اللزوم و عدم صدق عنین بر چنین مردی، جهت اسقاط خیار زن تمسک جسته‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۰: ۳۲۷)

در مقابل برخی از فقها بر این باورند که عنن چه قبل از وطی باشد و چه بعد از وطی حادث شود، خیار وجود دارد. به‌واقع این گروه در جواز فسخ فرقی میان عنن قبل و بعد از وطی با زوجه یا غیر او قائل نشده‌اند. از اطلاق کلام محقق در نافع استفاده می‌شود که قبل و بعد از وطی فرقی ندارد؛ زیرا ایشان می‌گویند در عیوب حادث بعد از عقد تردید در ثبوت خیار است، جز در عنن که در آن تردیدی در ثبوت خیار نیست. بعد می‌گویند: وقتی عنن حاصل شد، زن نزد حاکم می‌رود و شکایت می‌کند و حاکم نیز یک سال به مرد مهلت می‌دهد. (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۸۷) قمی سبزواری هم که معاصر علامه بوده در کتاب جامع الخلاف قائل به این دیدگاه شده است. (سبزواری، ۱۴۲۱: ۴۵۵)

دسته سوم از فقها بر این باورند که نزدیکی با خود زوجه چه قبل از عنن و چه بعد از عنن، مسقط خیار می‌باشد؛ اما دخول به غیر زوجه قبل از عنن خیار را ساقط نمی‌کند و زوجه حق فسخ دارد. به‌بیان دیگر ایشان معتقدند نزدیکی بعد از حصول عنن؛ خواه با زوجه یا غیر زوجه باشد، موجب سقوط خیار

ارائه خواهد شد، به تأثیر قید علم در حکم عنن نیز نظر افکنده می‌شود.

فرض نخست که قدر متیقن از مواردی است که زن حق فسخ دارد آن است که عنن قبل از عقد وجود داشته؛ ولی زن نسبت به آن جاهل بوده است. در این مورد زن می‌تواند عقد نکاح را بر هم بزند و بدون این‌که نیازی به طلاق باشد، آن را فسخ نماید و این به اجماع مسلمین به استثناء ابوحنیفه می‌باشد، که ایشان قائل به طلاق می‌باشند نه فسخ. (ابن‌قدامه، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۸۴؛ جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۵۵)

فرض دوم آن است که عنن قبل از عقد وجود داشته و زن نیز به آن عالم بوده و با علم به آن، عقد نکاح را منعقد کرده است. در این فرض بر اساس قاعده اقدام، مسلماً خیار فسخی برای زن قابل‌تصور نمی‌باشد.

فرض سوم عنن حادث بعد از عقد و قبل از دخول می‌باشد که در این فرض، طبق دیدگاه مشهور فقهای امامیه، خیار ثابت است؛ چرا که روایاتی که در این باب وارد شده^۱ اطلاق دارند و قبل و بعد از عقد، هر دو را شامل می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۵: ۱۰۹)

ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی نیز همین دیدگاه را پذیرفته و آورده است: «جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود، موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.» به‌نظر می‌رسد با توجه به این‌که قانونگذار در این ماده حدوث عنن بعد از عقد را به‌طور مطلق آورده و مقید به نزدیکی یا عدم نزدیکی ننموده است، ماده‌ی مذکور این قسم از مسأله و نیز فرضی را که در مبحث بعدی بیان می‌شود را در برمی‌گیرد.

فرض آخر، حدوث عنن بعد از عقد و بعد از دخول می‌باشد، که در این فرض نیز دو حالت قابل‌تصور می‌باشد:

۱. نک. حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، صص ۲۲۹-۲۳۵.



بینه وجود ندارد که در قسم اخیر چنانچه صاحب عیب، اقرار نمود، چون اقرار از امور شبیه به قطعیات و یقینیات می‌باشد که برای قاضی علم حاصل شده و بر اساس آن حکم می‌کند. شهادت بر اقرار، طریق دیگری است که می‌تواند منجر به اثبات این عیوب گردد؛ با این بیان که دو نفر شهادت دهند که صاحب عیب، خودش نزد آنان اقرار به عیب کرده است. چنانچه هیچ‌کدام از طرق ذکر شده میسر نبود، منکر قسم می‌خورد و با قسم او فصل خصومت می‌شود؛ اما اگر منکر قسم نخورد، قسم را به مدعی رد می‌نماید که در این صورت با قسم مدعی عیب ثابت می‌شود.

می‌شود؛ ولی چنانچه نزدیکی صورت گیرد و بعد، عنن واقع شود، در این صورت تنها دخول با زوجه مسقط خیار می‌باشد و نزدیکی با غیر زوجه منجر به از بین رفتن حق خیار فسخ برای زن نمی‌شود. کلام ابن‌ادریس حلی در السرائر، قابل‌حمل بر این معنا می‌باشد. (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ج ۲، ۶۱۲) به نظر می‌رسد که دو دیدگاه اخیر به حکم عقل نزدیک‌تر بوده و با قواعدی نظیر قاعده «لاضرر» و «لااخرج» بتوان ابقاء خیار برای زن را ثابت نمود.

۴ راه‌های اثبات عنن

مباحثی که تا اینجا بیان شد در مقام ثبوت و عیب واقعی بود؛ بدین معنا که چنانچه عیب در واقع باشد حکمش چیست؟ اما در این بخش، بحث در مقام اثبات می‌باشد، یعنی از چه طریقی باید ثابت شود که عیب وجود دارد و شارع و قانونگذار چه راه‌هایی جهت اثبات عیب مزبور ذکر کرده‌اند.

۴/۱/۱ بینه

در فقه امامیه طرق ذکر شده برای اثبات دعوا که عبارتند از: بینه، اقرار، شهادت بر اقرار و یمین یا یمین مردوده در تمام ابواب قضا مشاهده می‌شود؛ اما پرسشی که در اینجا ضرورت دارد به آن پاسخ داده شود این است که آیا طرق مذکور در ما نحن فیه نیز حاکم می‌باشد؟ و نیز آیا عنن که از عیوب خفیه می‌باشد را می‌توان با بینه ثابت کرد یا شهادت شهود جهت اثبات آن مسموع نمی‌باشد؟

در خصوص این مسأله فقهای امامیه بر یک قول اتفاق نظر نداشته و میان آنان اختلاف دیده می‌شود. دسته‌ای قائل به ثبوت عنن با بینه هستند و گروه دیگری اثبات عنن با شهادت شهود را دارای وجه نمی‌دانند. از این رو مسأله‌ی اشاره‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص گردد که دیدگاه کدام دسته از فقها به صواب می‌باشد.

۴/۱/۱/۱ دیدگاه غیرمسموع بودن شهادت بینه

از آنجایی که عنن از عیوب پنهانی می‌باشد و تنها توسط خود شخص، قابل تشخیص است، در دعوی عنن نمی‌توان مانند دیگر دعوها به تمام طرق ارائه‌شده، جهت اثبات آن تمسک جست؛ از همین رو با توجه به این‌که در دعوی عنن، زن مدعی بیماری

۴/۱ راه‌های اثبات عنن در فقه امامیه

قبل از این‌که طرق اثبات عنن در فقه امامیه مورد بحث قرار گیرد، ذکر نکته‌ای در این خصوص لازم به نظر می‌آید و آن نکته این است که طرق مذکور باید به نحوی باشد که منجر به علم قاضی شود؛ چرا که قاضی باید بر اساس دلایل ارائه‌شده حکم به ثبوت یا عدم ثبوت عنن نماید؛ از این رو راجع به عیوبی که در مورد آن‌ها اقامه دعوا می‌شود، چند حالت قابل‌تصور می‌باشد. گاهی عیبی که در شخص وجود دارد، آشکار است که قاضی با دیدن آن عیب، علم حسی بدان پیدا می‌کند و مطابق آن حکم صادر می‌کند؛ اما در برخی موارد عیوب مخفی و پنهانی هستند که قسمی از عیوب مذکور قابل اقامه‌ی بینه می‌باشد؛ مانند جذام یا برص بر برخی از اعضای زن که قابل مشاهده برای قاضی نمی‌باشد که در این حالت با شهادت زنان می‌توان آن‌ها را به اثبات رساند؛ ولی بر قسم دیگر از عیوب خفیه امکان اقامه

غیر اقرار نمودن زوج، بر عنن، آگاهی یابد و بر آن شهادت دهد و شهادت او نیز مسموع می‌باشد.» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۵۳)

افزون بر این ایشان معتقد است که اگر ایراد گرفته شود که میان زوجه و غیر زوجه تفاوت وجود دارد؛ بدین نحو که زوجه به خاطر همراهی با زوج در ایام مختلف و تکرار احوال متفاوت و تعاضد قرائن می‌تواند بر عنن مطلع شده و بر آن قسم بخورد، پاسخ داده می‌شود که دیگران نیز با تعاضد قرائن به ویژه با آزمایش‌هایی که پزشکان انجام می‌دهند و نشانه‌هایی که برای عنن بیان می‌کنند، امکان اطلاع یافتن بر عنن دارند؛ از این رو دشوار بودن یا متعذر بودن اطلاع یافتن غیر زوجه بر عنن که اصل اشکال بر آن بنا نهاده شده است، از بین می‌رود. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۵۳)

برخی از فقهای معاصر نیز جهت حل مسأله‌ی اثبات مسموعیت بیّنه بر عنن، راه‌حلهایی ذکر کرده‌اند و بر این باورند که رجوع به اصل بحث در کتاب القضاء، جهت روشن شدن مسأله، دارای ضرورت می‌باشد؛ چرا که شاید احتمال تصحیح نمودن اعتبار بیّنه بر اصل عیب، وجود داشته باشد؛ به این نحو که شهود بعد از شنیدن اقرار زوج بر عنن، می‌تواند علاوه بر شهادت بر اقرار زوج، بر اصل عیب نیز شهادت دهد؛ زیرا اقرار از امور شبیه به یقینیات و اطمینان‌آور می‌باشد؛ بر این اساس در بحث مذکور نیز با اقرار زوج که قوی‌ترین و مهم‌ترین دلیل بوده، یقین و اطمینان به وجود عنن در وی حاصل می‌شود؛ چرا که افراد به‌طور معمول، علیه خودشان و به نفع دیگری اقرار نمی‌کنند؛ بنابراین در چنین حالتی شهادت شهود بر اصل عیب، علاوه بر شهادت بر اقرار زوج نیز قابل‌پذیرش می‌باشد و دلایلی نظیر متعذر و دشوار بودن اطلاع شهود بر عنن، نمی‌تواند مانعی در جهت پذیرش بیّنه باشد؛ چرا که بیّنه، مطابق اقرار زوج شهادت داده و شهادت ایشان

قسم هم باید ضمیمه گردد و طرف مقابل قسم بخورد تا ادعای او اثبات شود.

بوده و مرد منکر تلقی می‌شود و وفق قاعده‌ی «البینه علی‌المدعی و الیمین علی من انکر» زن باید مدعای خود را با بیّنه و شهود به اثبات برساند، وگرنه مرد با قسم، دعوی مدعی را رد خواهد کرد، مشهور فقهای امامیه شهادت شهود را برای اثبات عنن قابل‌قبول ندانسته و طرق اثبات آن را محدود به موارد الف) اقرار؛ ب) شهادت بر اقرار زوج؛ ج) علم قاضی ود) قسم^۱ نموده‌اند و در این باره چنین می‌نویسند: «لا یثبت العنن الا بإقرار الزوج أو البیّنة باقراره أو نکوله؛ عنن ثابت نمی‌شود مگر با اقرار زوج یا اقامه بیّنه بر اقرار زوج یا نکول از قسم.» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۶۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۵۳۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۳۱ و ۱۳۲)

۴،۱،۱،۲ دیدگاه مسموع بودن شهادت بیّنه

در مقابل گروه نخست، عده‌ای از فقها، اقامه‌ی بیّنه از سوی زوجه، جهت اثبات عنن را قابل‌پذیرش می‌دانند.

صاحب تفصیل‌الشرعیه درخصوص اقامه بیّنه برای اثبات عیوب از جمله عنن چنین می‌نویسد: «حق آن است که اقامه بیّنه بر عیوبی که آشکار نبوده و حاکم نمی‌تواند آن‌ها را ببیند صحیح باشد هر چند آن عیب مخفی، عنن باشد. پس چنانچه بیّنه بر ثبوت و وجود آن عیب اقامه شود، موجب اثبات آن عیب می‌گردد.» (لنکرانی، ۱۴۲۱: ۳۹۸) صاحب جواهر در اصل اینکه شهادت شهود بر وجود عنن زوج به دلیل دشوار بودن یا محال بودن اطلاع غیر بر عنن مسموع نباشد، اشکال می‌کند و چنین می‌نویسد: «اینکه گفته شده که یمین زوجه بعد از خودداری زوج از قسم خوردن، یکی از راه‌های اثبات عنن می‌باشد (و می‌دانیم که یمین زوجه، باید جنبه کاشفیت داشته باشد) ممکن دانستن اطلاع غیر بر عنن از طریق بیّنه به غیر از اقرار زوج را ثابت می‌کند. بر این اساس شهود نیز مانند زوجه می‌تواند از راهی

۱. درخصوص قسم برخی صرف نکول را کافی در اثبات عنن دانسته‌اند؛ اما گروه دیگری بر این باورند که علاوه بر نکول، رد



شهادتی می‌باشد و در این خصوص می‌فرمایند: «ضابطه در شهادت، علم قطعی و یقین می‌باشد. پس در جایی که ممکن است علم مستند به حواس ظاهری باشد؛ نظیر دیدن در دیدنی‌ها و شنیدن در شنیدنی‌ها و چشیدن در چشیدنی‌ها و مانند اینها؛ واجب است که شهادت بر اساس علم حاصل از مبادی حواس مذکور باشد یا این که اگر علم قطعی به چیزی- از غیر مبادی حسّی پیدا شود که مفید علم قطعی است مانند این که در دیدنی‌ها از طریق شنیدن- حاصل شده باشد، شهادت جایز نیست یا علم و یقین به هر سببی باشد کفایت می‌کند مانند علمی که از تواتر و شهرت، بدست می‌آید؟ در این حالت دو وجه وجود دارد که اشبه دومی است. (یعنی علم قطعی به هر سببی حاصل شود کفایت می‌کند) البته جواز شهادت در جایی که علم از امور غیر عادی مانند جفر و رمل حاصل شود، مشکل است؛ اگر چه برای خود عالم حجت است.» (خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۴۴۵) بر این اساس می‌توان گفت طبق دیدگاه اخیر هر روشی که از طریق آن برای قاضی علم قطعی پیدا شود که فرد دچار عن است، می‌توان در اثبات عن بدان تمسک جست.

۴،۱،۲ گواهی پزشکی

در فقه علی‌رغم عدم پیشرفت علم پزشکی در عصر فقهای متقدم، برخی از فقها، یکی از طرق تشخیص عن را انجام آزمایش‌های پزشکی تلقی نموده‌اند؛ به عنوان نمونه در کتاب مقنع مشاهده می‌شود که شیخ صدوق روایتی از امام صادق (ع) را ذکر کرده و بر اساس آن فتوا می‌دهد که هنگامی که زن ادعا کرد همسرش عنین است و مرد منکر آن شد، حکم مسأله آن است که مرد در آب سرد بنشیند و اگر آلت او سست شد و انتشار پیدا نکرد، عنین است و اگر منقبض شد، زوج دارای بیماری عنین نمی‌باشد.» (صدوق، ۱۴۱۵: ۳۲۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ ج ۳: ۵۵۰) صاحب جامع‌لشرایع نیز با تمسک به روایت مذکور حکم به اثبات عنین از طریق نشستن در آب داده است. (حلی، ۱۴۰۵: ۴۶۳)

پذیرفته می‌شود. (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۱: ۶۶۷۳ و ۶۶۷۴)

امام خمینی (ره) در خصوص طرق اثبات عیوب از جمله عن، تمام ادله‌ی اثبات ارائه شده را جاری می‌داند و در این باره چنین می‌نویسد: «یثبت بها العیب حتی العنن علی الأقوی، کما أنه یثبت کل عیب یأقرار صاحبه أو البینه علی إقراره، و کذا یثبت بالیمین المردودة علی المدعی، و لو نکل المنکر عن الیمین و لم یردها ردها الحاکم علی المدعی، فان حلف یثبت به؛ و عیب حتی عنن بنا بر اقوی با بیّنه ثابت می‌شود، همان‌گونه که هر عیبی با اقرار صاحب عیب یا اقامه‌ی بیّنه بر اقرار وی ثابت می‌شود. همچنین با سوگندی که بر مدعی رد شده ثابت می‌شود و اگر منکر از قسم نکول نماید و آن را رد نکند حاکم آن را بر مدعی رد می‌نماید؛ پس اگر قسم بخورد به وسیله آن ثابت می‌شود. و عیوب باطنی زن‌ها با شهادت چهار زن عادل ثابت می‌شود کما اینکه در نظایر آن‌ها چنین است.» (خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۴)

نکته‌ای که در اینجا به نظر قابل تأمل می‌باشد این است در خصوص اثبات عنن با بیّنه، قید «علی‌الاقوی» آورده شده و بیان داشته شده است: «یثبت بها العیب حتی العنن علی الأقوی» که قید مذکور نشان‌دهنده‌ی اختلاف در مسأله می‌باشد. بر این اساس سؤالی که ممکن است به ذهن متبادر شود این است که با توجه به اختلاف در مورد پذیرش بیّنه و شهادت در اثبات عنن مقصود از این فقره چیست؟

در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد که با توجه به دیدگاهی که حضرت امام (ره) در باب قضا و شهادت دارند، سخن ایشان در اینجا مترتب بر مطلبی خاص می‌باشد؛ چرا که اصل، در شهادت و اقامه‌ی بیّنه «اخبار عن حس» است؛ حسی که مبتنی بر یکی از حواس پنجگانه باشد؛ اما اگر کسی با علائم و قرائنی به مسأله‌ای علم پیدا کرد، آیا می‌تواند بر اساس آن شهادت بدهد یا چنین امکانی برای وی وجود ندارد؟ ایشان قائل به پذیرش چنین

پوست یا بخشی از بدن، کاهش توان حرکتی، کندی سرعت حرکت و مشابه آن‌ها را در پی داشته باشد.^۱

صاحب‌جواهر در توجیه دیدگاه فقهای که با استناد به این روایت فتوی داده‌اند، بیان می‌دارد: چنانچه علائمی که در دو روایت مذکور آمده است مورد استفادۀ قرار گیرد و زن نیز ادعای عنن زوج را داشته باشد و به این علائم، قرائن و امارات دیگر نیز اضافه گردد، از مجموع آن‌ها می‌توان قطع بر عنن حاصل نمود (هرچند مرد به عنن اقرار نکرده باشد). (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۵۳ و ۳۵۴)

بنابراین مقصود از نقل این روایات و فتوا دادن بر اساس مضمون آن‌ها، ضمیمه کردن علائم ذکر شده با سایر قرائن، جهت حصول یقین می‌باشد؛ از این‌رو تمسک به این روایات و فتوی‌دادن بر اساس آن‌ها، ابداع روش جدیدی برای اثبات عنن نیست بلکه، با مجموع این قرائن یقین حاصل می‌شود و در حجیت یقین نیز اختلافی وجود ندارد.

به نظر می‌رسد توجیهی که مرحوم صاحب‌جواهر بیان نموده‌اند، توجیه صحیحی نمی‌باشد؛ چرا که فقهای که روایات را نقل کرده و بر اساس مضمون آن حکم و فتوا داده‌اند، اماریت مستقل برای آن علائم قائل بوده‌اند، همانگونه که عبارت آنان صراحت بر این موضوع دارد و نیز به دلیل فقدان قرینه بر تقیید و ضمیمه شدن قرائن دیگر برای افاده‌ی قطع، نمی‌توان کلام ایشان را بر تقیید حمل نمود. (شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۲۱: ۶۶۷۶) به‌واقع ایشان بر این باور بودند که چنانچه به وسیله‌ی طرق اثبات عنن مانند اقرار، شهادت بر اقرار و سوگند نتوان عنن را اثبات کرد، می‌توان از طریق آزمایش‌های مذکور به عنین بودن شخص علم پیدا نمود.

طریق دیگری که شیخ صدوق بر اساس روایاتی از امام صادق (ع) برای اثبات عنن ذکر می‌کند، سه روز ماهی تازه خوردن است. در روایت چنین آمده است: « أَنَّهُ يُطَعَّمُ السَّمَكَ الطَّرِيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ بُلْ عَلَى الرَّمَادِ فَإِنْ نَقَبَ بَوْلُهُ الرَّمَادَ فَلَيْسَ بِعَنِينٍ وَإِنْ لَمْ يَنْقَبْ بَوْلُهُ الرَّمَادَ فَهُوَ عَنِينٌ؛ تا سه روز به او ماهی تازه بخوراند، سپس بگویند بر خاکستر بول کن چنانچه بولش خاکستر را سوراخ کند سالم است و اگر نه عنین است.» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۵۰)

با اشاره به برخی روایاتی که درخصوص خوردن ماهی و کراهت داشتن زیاده‌روی در خوردن ماهی بیان شده‌اند؛ نظیر روایتی از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) که حضرت فرمودند: « السَّمَكُ يُذِيبُ الْجَسَدَ؛ خوردن ماهی تازه، گوشت بدن را ذوب می‌کند.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۷۷) یا در روایتی دیگری از امیرالمؤمنین نقل شده است که: «لَا تُدْمِنُوا أَكْلَ السَّمَكِ فَإِنَّهُ يُذِيبُ الْجَسَدَ؛ از خوردن ماهی به طور مداوم خودداری کنید، چون گوشت بدن را ذوب و بدن را سست و ضعیف می‌کند.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۷۷) همچنین در برخی از احادیث، یکی از عوارض مصرف ماهی به تنهایی (بدون مصلح)، مستعد شدن بدن برای فلج ذکر شده است. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «هر کس شب ماهی بخورد و به دنبال آن چند دانه خرما یا مقداری عسل نخورد و بخوابد، تا صبح، رگ سست‌اندami بر او غلبه خواهد کرد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۲۳) می‌توان چنین گفت از آنجایی که مزاج مغز و نخاع سرد و تر است، اگر فرد مداومت بر خوردن یک غذای سرد مثل ماهی کند یا آن را در شب و یا در فصول سرد، بدون مصلح بخورد، ممکن است میزان سردی مغز و اعصاب بیش از حد افزایش پیدا کرده، منجر به اختلال عملکرد آن‌ها مثلاً کاهش تولید و جریان عصبی شود؛ چرا که سردی همواره با سکون و توقف همراه می‌باشد و در نتیجه، اختلال حس و حرکت یا علائمی نظیر بی‌حسی

1. <https://mirghazanfari.ir/fish-health-benefits/>



۴٫۲ طرق اثبات عنن در فقه اهل سنت

فقه‌های عامه نیز برای اثبات عنن راه‌هایی را ذکر کرده‌اند که در ادامه به تبیین و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

از نظر فقه شافعی برای اثبات عنن وجود دو شرط لازم و ضروری می‌باشد: شرط نخست آن است که زوج کودک یا دیوانه نباشد؛ زیرا دعوای عنن نسبت به کودک و مجنون پذیرفته نیست و از آنجایی که عنن از طرقي مانند اقرار زوج یا نکول سوگند قابل اثبات می‌باشد، این امور در خصوص کودک و دیوانه متصور نمی‌باشد.

شرط دوم آن است که عنن بعد از نزدیکی عارض نشده باشد؛ چرا که به دلیل امکان از بین رفتن عیب، برای زن حق فسخ وجود ندارد. (شربینی، ۱۹۹۵، ج ۳: ۳۵)

از این رو بر اساس شرط اول راه‌های اثبات عنن از دیدگاه شافعی، اقرار زوج و نکول از سوگند بعد از رد یمین به او می‌باشد. (نووی، بی‌تا، ج ۱۶: ۲۸۰؛ عمرانی، ۱۴۲۱، ج ۹: ۳۰۴)

از دیدگاه فقه‌های حنفیه، ناتوانی جنسی مرد با اقرار زوج نزد قاضی یا اقرار نزد بیته‌ای که به آن عیب شهادت دهند و نیز اقامه‌ی بیته از جانب زن ثابت می‌شود و راجع به بیته، ایشان معتقدند چنانچه بیته از اهل خبره و ثقه باشد، باید بر اساس آن بیته عمل شود؛ بدین معنا که اگر پزشک ثقه و آگاه و ماهری تشخیص دهد که زوج دارای ناتوانی جنسی است، قول او به عنوان بیته مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ حتی اگر زن ادعا کند که مرد عنین است امکان این که در این موضوع حکم صحیحی داده شود، وجود ندارد؛ مگر این که پزشکی که به این عیب آگاه است بدان شهادت دهد. (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۵۵)

برخی از حنابله، عنن را با اقرار زوج و شهادت دو شاهد عادل بر اقرار وی، قابل اثبات دانسته‌اند. (شنقیطی بی‌تا ج ۲۷۸: ۴) ایشان معتقدند چنانچه زن نزد قاضی شکایت برد که شوهر او عنین است و

مرد منکر این امر شود، زن تنها می‌تواند با تمسک به دو شاهد عادل که اقرار زوج را شنیده‌اند، عنن را ثابت کند. (شنقیطی بی‌تا ج ۲۷۸: ۴) به‌واقع این دسته از فقه‌های حنبلی برخلاف شافعیه و حنفیه طریقیتی برای سوگند جهت اثبات عنن قائل نشده‌اند.

گروه دیگری از فقه‌های حنبلی معتقدند که راه‌های ثبوت عنن عبارتند از: (۱) اقرار؛ (۲) شهادت بر اقرار؛ (۳) نکول زوج از سوگند؛ (۴) شهادت اهل خبره و ثقه که زن به عنوان مدعی و طبق قاعده‌ی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر»، در دعوای اثبات عنن می‌تواند از شهادت این افراد استفاده نماید. (بهوتی بی‌تا ج ۵: ۱۰۶)

مالک بن انس در کتاب المدونه راجع به اثبات عنن آورده است: چنانچه زن ادعا کند که شوهرش قادر بر آمیزش نیست و مرد خلاف آن را بیان کند، مرد قسم می‌خورد و چیز دیگری بر عهده او نیست؛ اما اگر مرد از قسم خوردن خودداری کند، زن قسم می‌خورد و آن دو از یکدیگر جدا می‌شوند. (مالک بن انس، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۸۵ و ۱۸۶) بنابراین اکثر فقه‌های اهل سنت، یکی از طرق اثبات عنن را شهادت شهود دانسته‌اند که این شهادت از طریق اهل خبره و ثقه که می‌تواند با آزمایشاتی به عنن بودن مرد پی ببرد، حاصل می‌شود.

۴٫۳ طرق اثبات عنن در قانون ایران

علی‌رغم این که قانونگذار در خصوص راه‌های اثبات عنن به‌طور خاص، ساکت می‌باشد؛ اما از آنجایی که در قانون مدنی ادله‌ی اثبات دعوا، مطابق ماده‌ی ۱۲۵۸ عبارتند از: (۱) اقرار؛ (۲) اسناد کتبی؛ (۳) شهادت؛ (۴) امارات؛ (۵) سوگند، به نظر می‌رسد، می‌توان با تمسک به برخی از ادله‌ی از جمله اقرار، شهادت و امارات به اثبات عنن پرداخت.

طبق ماده‌ی ۱۲۵۹ قانون مدنی، اقرار عبارت است از اخبار به حق غیر به ضرر خود. راجع به اقرار اگر فرد، اقرار به وجود چنین عیبی در خود نماید، چنانچه

درخصوص اثبات بیماری عنن و ناتوانی جنسی مردان امروزه با پیشرفت‌های گسترده و چشمگیری که در علم پزشکی به ویژه بخش ارولوژی صورت گرفته است، بیماری مذکور با استفاده از برخی آزمایشات، به آسانی قابل تشخیص می‌باشد که برخی از این آزمایش‌ها عبارتند از: (۱) آزمایش حالت نعوظ شبانه یا (N.P.T؛ ۲) آزمایش روان‌سنجی؛ (۳) اندازه‌گیری فشار خون آلت؛ رادیوگرافی با تزریق ماده حاجب از شریان‌های آلت یا آرتیوگرافی که ناهنجاری‌های عروق شریانی آلت را نشان می‌دهد؛ سونوگرافی داپلر، (۷) تست‌های عصبی؛ (۸) رادیوگرافی با ماده حاجب از اجسام غازی آلت. (اسمیت، ۱۹۰۹: ۱۸۷ و ۱۸۸؛ نک. حاتمی و داورزنی، ۱۳۹۲: ۱۳۸) اثبات عنن از طریق آزمایش‌های اشاره‌شده، قطعی می‌باشد؛ از این‌رو می‌توان گفت که محکم‌ترین و مهم‌ترین دلیل در اثبات ناتوانی جنسی مردان، اظهارات ارائه‌شده از سوی کارشناسان پزشکی قانونی است که براساس این آزمایش‌ها به تشخیص این بیماری پرداخته‌اند.

بر همین اساس در دادنامه‌ای به شماره ۰۰۰۲۱۰۳-۹۱/۱۲/۲۶ که در پی تجدیدنظر خواهی از حکم بدوی صورت گرفته است، دادگاه تجدید نظر، نظر پزشکی قانونی مبنی بر عدم احراز عنن در زوج را، دلیلی بر عدم وجود عنن دانسته و حکم بدوی دادگاه را نقض و حکم به بی‌حقی خواهان برای فسخ نکاح صادر نموده است.

علاوه بر این در رأی دیگری که از شعبه‌ی دیوان عالی کشور صادر شده، گواهی پزشکی قانونی مبنای حکم قرار گرفته و چنین بیان شده است: «فرجام خواهی خانم س.ب. با وکالت خانم م.الف. نسبت به دادنامه شماره ۹۲-۱۵۲۲ مورخ ۹۲/۸/۸ شعبه ۶۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که به موجب آن ضمن نقض دادنامه بدوی در مورد دعوی فرجام خواه به خواسته صدور حکم بر فسخ نکاح به علت ناتوانی جنسی زوج فرجام خوانده حکم به ردّ دعوی ایشان صادر گردیده است وارد و موجه نمی‌باشد زیرا مرکز پزشکی قانونی منطقه غرب تهران طی شماره

برای قاضی علم به خلاف آن ایجاد نشده باشد، می‌تواند براساس آن، حکم به وجود عنن نماید.

در خصوص شهادت نیز همان‌گونه که در مباحث فقهی مطرح شد، می‌توان با تمسک به آن در مواقعی که شهادت از روی حس و یقین باشد، به اثبات عنن پرداخت. اما امارات یکی از ادله‌ای هستند که به نظر می‌رسد تمسک جستن به آن در اثبات عنن، دارای وجهت بیشتری می‌باشد و یکی از اماراتی که در محاکم قضایی با استناد به آن، آرای در رد یا اثبات بیماری عنن صادر شده است، گواهی و نظریه پزشکی قانونی می‌باشد.

از سیاق برخی مواد قانونی می‌توان استنباط نمود، در مواردی که رجوع به کارشناس و کسب نظر وی در امری ضرورت داشته باشد، ارجاع به کارشناس الزامی می‌باشد؛ به عنوان نمونه در ماده‌ی ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی چنین آمده است: «دادگاه می‌تواند رسماً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر نماید. در قرار دادگاه، موضوعی که نظر کارشناس نسبت به آن لازم است و نیز مدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌گردد.» ماده ۲۵۸ قانون مذکور نیز درخصوص وثاقت و متخصص بودن کارشناس در موضوع مورد کارشناسی مقرر می‌دارد: «دادگاه باید کارشناس مورد وثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است انتخاب نماید»

وفق ماده‌ی ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی هر چند دادگاه در ارجاع امر به کارشناس دارای اختیار می‌باشد و تکلیفی در این زمینه متوجه او نیست؛ اما به نظر می‌رسد در اموری که ارجاع آن به کارشناس ضرورت دارد، اختیاری بودن آن معقول و منطقی نمی‌باشد؛ چرا که امروزه آزمایش‌های پزشکی قانونی برای اثبات بسیاری از مسائل و بیماری‌ها از قطعیت برخوردار بوده و آزمایش‌های مذکور بیش از سایر طرق اثبات دعوا می‌تواند منجر به علم قاضی گردد.



و بررسی و ارزیابی این ادله به عهده‌ی دادگاه است، به جز مواردی که قانون اسباب معینی را برای اثبات آن‌ها مشخص نموده است.»

وفق مواد فوق چند نکته قابل‌تأمل می‌باشد:

اول اینکه عنن و ناتوانی جنسی زوج در حقوق عراق یکی از مواردی است که برای زن حق طلاق ایجاد می‌کند و در صورت وجود چنین بیماری در مرد، زن تنها از طریق طلاق می‌تواند، اقدام به جدایی از شوهر خود نماید، نه از طریق فسخ نکاح.

نکته دوم اینکه تنها در صورت غیر قابل علاج بودن این بیماری، زن حق طلاق خواهد داشت؛ اما اگر عنن قابل‌درمان باشد، حق طلاق برای زن در نظر گرفته نشده است.

اما نکته سوم این است که با توجه به این فراز از ماده‌ی ۴۴ قانون احوال شخصیه عراق که بیان می‌دارد: «به جز مواردی که قانون اسباب معینی را برای اثبات آن‌ها مشخص نموده است.» و همچنین با عنایت به اینکه در ماده‌ی ۴۳ این قانون که اثبات غیرقابل علاج بودن عنن از سوی کمیسیون پزشکی، را به عنوان تنها راه اثبات این بیماری در نظر گرفته است، باید گفت که اثبات عنن در حقوق عراق تنها با نظریه کمیسیون پزشکی قابل‌اثبات است. به بیان دیگر با تلفیق مواد فوق می‌توان چنین گفت که: «اسباب جدایی و طلاق را می‌توان با تمام ادله‌ی اثباتی از جمله شهادت، ثابت کرد و ارزیابی آن‌ها با دادگاه است به استثنای موارد ابتلای زوج به عنن یا بیماری که او را از انجام وظایف زناشویی ناتوان می‌کند که باید با گزارش کمیسیون پزشکی ثابت شود.»

۵ بررسی تعارض ادله‌ی اثبات عنن

مسأله‌ی بسیار مهمی که در بحث طرق اثبات عنن، ضروری است که مورد تأمل واقع شود، بحث تعارض میان گواهی پزشکی قانونی با سایر طرق اثبات عنن می‌باشد؛ به عبارت دیگر چنانچه زوج به پزشکی قانونی مراجعه نماید و نتیجه حاصل از آزمایش‌های

۱۵۲۱۹/م/۱/۴ مورخ ۹۲/۷/۲۰ پس از معاینه زوج فرجام خوانده صریحاً اعلام نموده که نامبرده در حال حاضر عنن ندارد... بنابراین ادعای فرجام خواه در مورد عنین بودن زوج و ناتوانی جنسی وی متکی به ادله اثباتی نبوده از این رو دادنامه فرجام خواسته با توجه به استدلال منعکس در آن موجهاً و منطبق با دلایل موجود در پرونده و مآلاً منطبق بر موازین قانونی اصدار یافته... فلذا ضمن ردّ فرجام‌خواهی فرجام خواه مستنداً به ماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه فرجام خواسته ابرام می‌گردد.

۴٫۴ طرق اثبات عنن در قانون عراق

در حقوق عراق، فصل دوم قانون احوال شخصیه این کشور به بحث جدایی زن از شوهر اختصاص داده شده است. در ماده‌ی ۴۳ قانون مذکور به‌طور خاص به دلایل و مواردی که زن می‌تواند براساس آن‌ها درخواست طلاق نماید، اشاره گردیده و در بند چهارم این قانون چنین بیان داشته شده است: «هرگاه زن، همسرش را عنین یا مبتلا به بیماری بیابد که مانع از انجام وظایف زناشویی باشد، خواه به دلیل جسمی یا روحی باشد یا هرگاه بعد از دخول، مبتلا به چنین بیماری‌هایی گردد و بنا بر گزارش کمیسیون پزشکی رسمی ویژه، غیر قابل‌علاج بودن آن اثبات گردد و هرگاه دادگاه علت را روحی تشخیص دهد برای جدایی، یک سال زمان می‌دهد مشروط بر این‌که در این مدت قادر به انجام وظایف زناشویی گردد.»

به‌طور کلی مطابق قانون اثبات در حقوق عراق، ادله‌ی اثبات دعوا به شرح ذیل می‌باشد: (۱) مدارک کتبی؛ (۲) اقرار؛ (۳) استجواب؛ (۴) شهادت؛ (۵) قرائن و احکام معتبر؛ (۶) سوگند؛ (۷) معاینه؛ (۸) خبره. در خصوص راه‌های اثبات اسباب طلاق در ماده‌ی ۴۴ قانون احوال شخصیه عراق چنین آمده است: «اثبات اسباب طلاق با کلیه‌ی ادله‌ی اثبات، از جمله شهادت‌های دریافتی در جلسه دادگاه، جایز می‌باشد

۱۳۸۵، ص ۹) به همین دلیل است که ماده‌ی ۱۲۷۶ قانون مدنی بیان می‌دارد: «اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت.»

براین اساس می‌توان گفت که شهادت و اقرار در اغلب موارد نمی‌تواند مفید علم و قطع باشد بلکه، موجب ظن به مشهود به یا مقربه می‌شود؛ در حالی که امروزه آزمایش‌هایی که بر اساس آن به تشخیص عنن پرداخته می‌شود، از چنان قطعیتی برخوردار هستند که در اکثر موارد می‌تواند موجب علم و یقین قطعی به وجود چنین بیماری در شخص می‌باشد و شاید به همین دلیل است که رویه محاکم این‌گونه است که در پرونده‌های مربوط به اثبات عنن، فرد را جهت تشخیص بیماری به کارشناسان پزشکی قانونی ارجاع می‌دهند؛ چرا که امکان علم پیدا کردن به عنین بودن یا نبودن شخص از طریق آزمایش‌های فوق قطعی می‌باشد. در نتیجه در فرض تعارض میان گواهی پزشکی قانونی و اقرار و شهادت، از آنجایی که گواهی‌های مذکور مفید علم هستند و از طرفی اقرار و شهادت موجب ظن است و ظن تاب معارضه و مقابله با علم را ندارد، مهم‌ترین دلیل در اثبات دعوای عنن، اظهار نظر و گواهی پزشکی قانونی می‌باشد.

چنانچه گفته شود که شهادت و اقرار نیز موجب حصول قطع می‌گردد و مفید علم می‌باشد و به همین خاطر ممکن است بتواند گواهی‌های پزشکی قانونی را از درجه‌ی اعتبار ساقط نماید، باید به این نکته توجه داشت که علم حاصل از شهادت و اقرار، علم نوعی است در حالی که علم حاصل از گواهی پزشکی قانونی، علم شخصی می‌باشد؛^۱ چرا که علم شخصی، علم در خصوص مورد خاص بوده که قاضی، به بررسی حقیقت راجع به آن پرداخته (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۶۳۱) و مستقیماً به آن علم پیدا کرده است. طبیعی است که در تعارض میان

پزشکی با اقرار یا شهادت شهود در تعارض باشد، کدام‌یک به عنوان دلیل، می‌تواند مبنای حکم دادگاه قرار گیرد؟

در پاسخ به پرسش مطرح شده می‌توان گفت همان‌گونه که در مباحث فقهی بیان گردید چنانچه شهادت شهود از روی حس و قطع و یقین باشد و موجب علم قاضی گردد، می‌توان در اثبات عنن بدان تمسک جست؛ اما از آنجایی که در حقوق ایران، قانونگذار معتقد به طریقت داشتن شهادت شهود بوده و به موجب ماده‌ی ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، تشخیص ارزش و تأثیر گواهی به نظر دادگاه محول شده است و همچنین در مقام تأیید این نظر، ماده‌ی ۱۷۱ از قانون آیین دادرسی در امور کیفری نیز مقرر نموده است: چنانچه دادگاه شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد شهادت آنان را می‌پذیرد و الا رد می‌کند، دامنه و اعتبار شهادت محدود شده است.

در خصوص اقرار با توجه به تعریفی که در ماده‌ی ۱۲۵۹ قانون مدنی، از اقرار ارائه شده است و نیز مطابق ماده‌ی ۲۰۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی که اشعار می‌دارد: «هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست.» در بادی امر به نظر می‌آید که اقرار از همه دلایل محکم‌تر و مؤثرتر است که قابلیت رفع هر گونه شک و شبهه‌ای را دارا می‌باشد و قاضی محکمه در هر حال مکلف به صدور رأی طبق مفاد اقرار است؛ اما با دقت نظر در شرایط اقرار و ماهیت آن مشخص می‌گردد که اقرار نیز مانند سایر ادله دارای اعتبار مطلق نبوده و قابل خدشه می‌باشد؛ چرا که اقرار نوعی اخبار است نه انشاء و مانند هر خبری احتمال صدق و کذب در آن وجود دارد. (توکلی،

۱. برخی از حقوقدانان در خصوص علم شخصی و نوعی چنین بیان داشته‌اند که علم شخصی، علم در خصوص مورد است که در بسیاری از موارد به آن، معرفت گفته می‌شود. عرفان هم از معرفت به همین معنا می‌باشد که علم به خداوند است. علم

قاضی، علم شخصی است که باید به فهم حقیقت در پرونده قضایی بپردازد. در برابر این علم، علم نوعی قرار دارد، که دارای جنبه‌ی شخصی نمی‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۶۳۱)



سنت بر این باورند، چنانچه شخصی از راهی که موجب علم و قطع می‌شود به ناتوانی جنسی زوج پی ببرد، استماع شهادت او در اثبات عنن جایز می‌باشد شود؛ زیرا با توجه پیشرفت‌هایی که در علم پزشکی صورت گرفته است می‌توان از طریق برخی آزمایش‌های پزشکی- که قطع و یقین به همراه دارند - به اثبات عنن پرداخت و بدین صورت گواهی و آزمایشات مذکور را در زمره‌ی اماراتی جای داد که طبق ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی به عنوان یکی از طرق اثبات دعوا در نظر گرفته شده‌اند و از آنجایی که امارات کاشفیت از واقع دارند و مطابق ماده‌ی ۱۳۲۳ قانون مدنی که بیان می‌دارد: «امارات قانونی در کلیه‌ی دعاوی، اگرچه دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل بر خلاف آن موجود باشد.» و نیز طبق ماده‌ی ۱۳۲۱ و ۱۳۲۴ قانون مدنی، می‌توانند منجر به علم قاضی گردند، بسیاری از مسائل و چالش‌هایی که امروزه در خصوص اثبات این بیماری وجود دارد را حل نمود. همان‌گونه که قوانین کشور عراق با پذیرش چنین گواهی‌هایی در جهت اثبات عنن گامی مثبت برداشته است.

علم شخصی و نوعی، به این دلیل که علم شخصی قوی‌تر است، تقدم و رجحان با علم شخصی می‌باشد.

۶ نتیجه‌گیری

بیماری عنن به دلیل اینکه از بیماری‌ها و عیوب مخفی می‌باشد، دارای احکام ویژه‌ای بوده و جهت اثبات آن نمی‌توان به ادله‌ای که در اثبات دعوا در فقه اسلامی، قوانین موضوعه ایران و عراق، مطرح شده‌اند، تمسک جست. در فقه اسلامی برخی از فقها معتقدند که دلایل اثبات دعوا به‌طور کلی در عنن کاربرد ندارد و در اثبات آن نمی‌توان بینه اقامه نمود؛ چرا که عنن، عیبی است که تنها از سوی خود شخص و زوجه‌ی او قابل تشخیص می‌باشد؛ اما در حقوق ایران، به‌طور خاص، ادله‌ای جهت اثبات عیب عنن بیان نشده است؛ اما می‌توان براساس برخی از ادله‌ای نظیر شهادت و اقرار که در اثبات دعاوی به‌کار می‌روند، به اثبات این بیماری پرداخت؛ علاوه‌بر این به نظر می‌رسد که بتوان راه‌های دیگری مانند گواهی پزشکی قانونی را به طرق اثبات عنن اضافه نمود که از طریق آنان علم قطعی برای قاضی حاصل در مقابل گروهی دیگری از فقهای امامیه و اهل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Allamah Helli, H, (1992), Mokhtalef al-Shia fi Ahkam al-Shariah, Qom, corrected and conducted by the research department of Islamic Publications. (in Arabic)
- Allamah Helli, H, (1999), Tahrir al-Ahkam, Qom, Institute of Imam Sadeq. (in Arabic)
- Aradmehr, M, senobari, M, (2020) "Effect of Medicinal plant of roses on sexual dysfunction of female and male subjects: A systematic review of clinical trials". jms; 7 (4) :80-92. (In Persian)
- Bohuti al-Hanbali, Mansur bin Yunus, Kashaf al-Qanaa, Beirut, Dar al-Kutub Al-Elmiyah. (In Arabic)
- Fayyumi, A, Al-Misbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir Lil-Imam Al-Rifa'i. Qom, Manshorat dar al razi. (In Arabic)
- Hatami. S, Davarzani. H, (2014), " Ways of men's Sexual impotency proof and it Jurisprudence and legal study", Medical Fiqh, Vol. 5 No. 17, Page 133-161. (In Persian)
- Helli, Y,(1984), Al-Jami Lal-Shar'aea, Qom, Seyed Al-Shohada Institute, (In Arabic)
- Hurr al-'Amili, M. (1989). Wasa'il al-Shi'a, Qom, aalulbayt Institute Publishing. (In Arabic)
- Ibn manzoor, M, (1993), Lisan al Arab, Beirut, Dar Al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn Qudamah, A. (1968). Al-Mughni li Ibnu Qudamah, Cairo, Maktabt Al-Kaherah Publishing. (In Arabic)
- Imam Khomeini, R. Tahrir ol vasile, Qom, Daarolelm Institute Publishing. (In Arabic)
- Imrani, Y. (2000).al-Bayan fi Madhab al-Imam al-Shafi'i, Beirut, Dar Al-Minhaj Publishing. (In Arabic)
- Jafari Langroudi, M, (1999), Mabsoot: dictionary terms of law, Tehran, Ganj Danesh Library. (In Persian)
- Jaziri, M, (1998),Al-Fiqh 'Ala al-Madhahib al-Arba'ah va mazhab ahlolbayt, Beirut, Dar al-saghalein. (In Arabic)
- Koleini ,M. (2008), Al-Kafi, Darol-hadis Publishing, (In Arabic).
- Lankarani, M, (2000), Tafsil al-Shariah fi Sharh Tahrir al-Wasilah, Qom: Jurisprudential Center of the pure Imams. (in Arabic)
- Madani, Mālik bin Anas,(1994), Al-Mudawwana, Beirut, Dar Al-Kutub Al-Elmiya. (In Arabic)
- Melkari, B, Farahbakhsh, K.,Farrokhi, N &Motamedi, A (2019), "Qualitative investigateon for the diagnosis of sexual dysfunction disorders and its effect on family function in Sardasht chemical bombardment injured", Family Counseling and Psychotherapy, 2, 1- 24. (In Persian)
- Mohaghegh Damad, M. Jurisprudential study of family law: marriage and its dissolution, Qom. (In Arabic)
- Mohaghegh Helli, J, (1998). Al-Mokhtasar al-Nafee fi Fiqh al-Emamieh. 6th Qom: Mosasat al-Matbouat al-Dini, (In Arabic)
- Mohaghegh Helli, J.(1988). Shara'e al-Islam, Qom, Esmaeilian institute Publishing. (In Arabic)



- Mohaghegh Karki,(1994). Jame Al-maghased fi sharh Al-ghavaed, Qom, Aal Al- beyt institute, Publishing. (In Arabic)
- Najafi, M.(1983). Jawahar Al-Kalam, Beirut, Dar Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi Publishing. (In Arabic)
- Nawawi, M. Al- Majmoo' Sharh Al-Muhadhab, Dar al-Fikr Publishing. (In Arabic)
- Ramli, M. (1984). Nahayat ol-Mohtaj ela Sharh al Menhaj , Beirut, Darolfekr Publishing. (In Arabic)
- Sabzewari, A,(1992), Muhazab al-Ahkam,Qom, Al-Manar Institute. (In Arabic)
- Sabzewari, A,(2000), Jami' al-Khilaf wa al-Wafaq, Qom, zamynehsazan zohore Imam asr.(In Arabic)
- Saduq, M, (1994), Al-Muqni', Qom, Imam Hadi institution Publishing. (In Arabic)
- Saduq, M. (1993). Man la yahduruh al-faqih, Qom, Society of Seminary Teachers of Qom is an independent seminary institution Publishing. (In Arabic)
- Shahid Thani, Z. (1993). Masalak al-Afham fi Sharh (Ili Tanqih) Sharia al-Islam, Al-Maaref Ol-Islamiyah Institute Publishing. (In Arabic)
- Shanqeeti, M, Sharhe Zad Al-Mustaqni, audio lessons transcribed by the Islamic Web site <http://www.islamweb.net>. (In Arabic)
- Sharbini, M, (1995), Mughni al-Muhtaaj ila Ma'rifati Ma'ani Alfaadh al-quran, Beirut, Darolfekr Publishing. (In Arabic)
- Shobiri Zanjani, M. (1998).Ketab e-Nikah, Qom, Raaypardaz Institute Publishing. (In Persian)
- Taheri, H. Civil Law, Qom, Islamic Publishing Corporation affiliated with the Teachers' Group in Qom Publishing. (In Persian)
- Tarihi F. (1995), Majma AL-bahrain. Tehran: Ketabforooshi mortazavi; Vol. 6, p.275. (in Arabic)
- The law of the Civil Procedure for Public and Revolutionary Courts in Civil Affairs
- Iranian civil code
- Iraq Law of Evidence
- Iraqi Personal Status Law